

باسمه تعالی

- ۲ **مشتق**
- ۲ **تنبیه اول: ترکیب یا بساطت معنای مشتق**
- ۲ بساطت معنای مشتق
- ۲ **مطلب اول: تحریر محل نزاع**
- ۲ محل نزاع معنای تصویری مشتق است
- ۳ محل نزاع معنای تحلیلی است
- ۳ دلیل معنای تحلیلی بودن محل نزاع
- ۳ عدم وضوح معنای وضعی مشتق
- ۴ **مطلب دوم: بررسی ادله محل نزاع**
- ۴ مرحله اول: بررسی ادله در مورد معنای مشتق
- ۴ بساطت موضوع له معانی مشتقات
- ۵ معنای تحلیلی مشتق، مبدا لا بشرط
- ۵ خلاف ارتکاز بودن مبدا لا بشرط
- ۵ معنای مشتق، مبدا به همراه نسبت
- ۵ خلاف ارتکاز بودن مبدا به همراه نسبت
- ۶ مرحله دوم: بررسی معنای تحلیلی مشتق
- ۶ تحلیل معنای مشتق
- ۶ ذات ثبت له المبدأ

موضوع: تنبیه اول / مشتق / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته بحث به مطلب «ارشاد» مرحوم آخوند رسید. ایشان بعد از اینکه فرمودند معنای مشتق بسیط است و مرکب نیست نکته ای ذیل عنوان ارشاد بیان فرمودند و آن نکته عبارت بود از اینکه در مقام تصور و لحاظ معنای مشتق بسیط است اما به لحاظ تحلیل عقلی معنای مشتق مرکب است.

مشتق**تنبیه اول: ترکیب یا بساطت معنای مشتق****بساطت معنای مشتق**

مرحوم آخوند میفرماید 'معنای مشتق بسیط است یعنی وقتی لفظ کاتب شنیده میشود ذات به علاوه کتابت به ذهن نمی آید. اگر چه در مقام تحلیل و توضیح واقع، همین معنای مرکب افاده میشود. نظیر حد و محدود. مثلاً وقتی انسان گفته میشود یک معنای بسیط به ذهن خطور میکند اما در مقام تعریف و تحلیل گفته میشود انسان حیوان ناطق. در این جا انسان مرکب از حیوان و ناطق شد ولی این تحلیل باعث نمیشود که در مقام تصور و لحاظ نیز مرکب باشد.

به نظر ما باید این بحث را در دو مطلب بررسی کرد مطلب اول محل نزاع معنای مشتق معلوم شود و در مطلب دوم به بررسی معانی مشتق در جایی که معنای تصویری مشتق ملاحظه شده است، پرداخته شود. از طرفی بررسی معانی مشتق به دو مرحله نیاز دارد مرحله اول به انتخاب قول صواب در محل نزاع (معنای تصویری مشتق) پرداخته شود و در مرحله دوم به بررسی مطالبی که در غیر محل نزاع گفته شده است (تحلیلهایی که از معنای مشتق صورت گرفته است) پرداخته شود.

مطلب اول: تحریر محل نزاع

اینکه گفته میشود معنای مشتق بسیط است یا مرکب است، مراد از معنای مشتق چیست؟ آیا مراد معنای تصویری و مدلولی و موضوع له مشتق است و بحث میشود که معنای تصویری مشتق بسیط است یا مشتق؟ یا مراد از معنای مشتق و محل نزاع معنای تحلیلی و واقعی مشتق است؟

محل نزاع معنای تصویری مشتق است

به نظر ما محل نزاع باید معنای تصویری و وضعی مشتق باشد و اینکه بحث میشود معنای مشتق بسیط است یا مرکب است معنایش این است که موضوع له مشتق بسیط است یا مرکب است. زیرا بحث تحلیلی و واقعی مربوط به بحث های فلسفی است و ربطی به بحث اصولی از این جهت که ظهورات و موضوع له های کلمات را بحث میکند، ندارد. به عبارت دیگر در اصول بحث میشود که متفاهم عرفی مشتقات چیست؟ و این عنوان ربطی به بحث های تحلیلی و واقعی ندارد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۵۴.

محل نزاع معنای تحلیلی است

بزرگانی مانند مرحوم اصفهانی^۱ و مرحوم آغا ضیاء^۲ و مرحوم خویی^۳ قائل به این مطلب هستند که محل نزاع معنای تحلیلی مشتق است یعنی وقتی بحث میشود که معنای مشتق بسیط است یا مرکب است مراد معنای تحلیلی و واقعی مشتق است و بحث در حقیقت و واقعیت معنای مشتق است. حتی مرحوم خویی میفرماید اینکه جناب آخوند میفرماید معنای تحلیلی مشتق مرکب است در حقیقت ایشان از جمله قائلین به ترکب معنای مشتق هستند زیرا ایشان قبول دارند که معنای تحلیلی مشتق مرکب است و از طرفی محل بحث نیز معنای تحلیلی است پس ایشان قائل به ترکب معنای مشتق است.

دلیل معنای تحلیلی بودن محل نزاع

اینکه گفته میشود محل نزاع در معنای مشتق، معنای تحلیلی مشتق است به این دلیل است که واضح است که معنای وضعی و تصویری مشتق بسیط است و این مطلب جای بحث ندارد که در اصول بحث شود. پس چون واضح است و جای بحث ندارد که معنای وضعی مشتق بسیط است محل نزاع باید معنای تحلیلی باشد.

عدم وضوح معنای وضعی مشتق

اینکه ادعا شد معنای وضعی و تصویری مشتق واضح است، مقبول نیست زیرا:
اولاً: در بسیط بودن معنای مشتق شبهه وجود دارد و جای توهّم را دارد که توهّم شود معنای مشتق مرکب است زیرا مشتق دو وضع دارد یک وضع نسبت به هیئت است و یک وضع دیگر مربوط به ماده است و از حیث ماده یک معنا را افاده میکند و از حیث هیئت معنای دیگری را افاده میکند فلذا جای بحث دارد که معنای مرکبی داشته باشد. بر خلاف جوامد که یک وضع دارند.

ثانیاً: مناسبت بحث اصولی بودن اقتضاء میکند که نزاع در معنای مشتق نسبت به معنای وضعی باشد زیرا اصول در مورد ظواهر و مفاهیم های عرفی بحث میکند و این مناسبت موجب میشود که بحث در مورد معنای وضعی مشتق باشد چون معنای وضعی است که مورد تفاهم قرار میگیرد.

۱. نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقي، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. مصباح الاصول، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱، ص ۲۱۷.

ثالثاً: تصریح بعضی از اصولیون مانند مرحوم نائینی^۱ است و از کلامی که برای نفی ترکب معنای مشتق استفاده میکنند اصطیاد میشود که مورد نزاع معنای تصویری و وضعی مشتق است نه اینکه محل نزاع معنای تحلیلی مشتق باشد. نتیجه: حق با مرحوم آخوند است و محل نزاع معنای تصویری مشتق است.

مطلب دوم: بررسی ادله محل نزاع

بعد از اینکه ثابت شد که محل نزاع معنای تصویری مشتق است حال باید به این مطلب پرداخته شود که معنای وضعی مشتق چیست؟ و ادله بررسی شود

مرحله اول: بررسی ادله در مورد معنای مشتق

در اینجا (معنای تصویری) سه نظریه مطرح میشود: ۱- نظریه مرحوم آخوند. ۲- نظریه مرحوم نائینی. ۳- نظریه مرحوم آغا ضیاء.

بساط موضوع له معانی مشتقات

مرحوم آخوند میفرماید^۲ موضوع له مشتقات بسیط هستند و دلیل ایشان نیز خلاف ارتکاز بودن ترکب معنای مشتق بود که در جلسات قبلی بیان شد و دلیل خلاف ارتکاز بودن نیز تکرار بود. البته ما دلیل را تبادر و انسباق دانستیم ولی حقیقت امر این است که خلاف ارتکاز نیز اماره وضع است. ایشان در ادامه میفرماید معنای مشتق یک امر بسیط انتزاعی است یعنی در خارج ما بحذاء خارجی ندارد ولی در نفس الامر وجود دارد مثلاً وقتی گفته میشود «زید آکل» در خارج یک زید وجود دارد و یک حدث که همان خوردن است که هر کدام از این دو در خارج ما بحذاء دارند (و یک چیزی که در خارج محسوس و مشت پر کن باشد وجود دارد) اما از این دو واقعیت خارجی، امر سومی به نام آکل انتزاع میکنیم منشا انتزاع نیز حیثیت صدور اکل از زید است هر چند که در خارج نیز ما بحذاء ندارد اما واقعیت دارد شاهد این مطلب این است که از حالت غذا خوردن زید، قاعد انتزاع نمیشود و هر چیزی را نمیتوان از این دو ساخت. فلذا نباید بین ما بحذاء خارجی نداشتن و نفس الامر خلط شود. ممکن است چیزی ما بحذاء خارجی نداشته باشد اما در واقع وجود داشته باشد.

^۱ فوائد الاصول، محقق نائینی، ج ۱، ص ۱۰۳.

هو من جملة الذات التي ثبت لها الضرب على وجه يكون مدلول اللفظ هو هذه الجملة المركبة من الذات والمبدأ و ثبوته لها، و يقابله البساطة، فأنه معنى البساطة هو خروج الذات عن مدلوله

^۲ كفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۵۴.

نتیجه: کلام مرحوم آخوند موافق بارتکاز است

معنای تحلیلی مشتق، مبدا لا بشرط

مرحوم نائینی میفرماید: معنای تصویری مشتق وجود فی نفسه است که عین وجود فی غیره است یعنی ما از مشتق وجودی، مندک در غیر میفهمیم بر خلاف ذات و مبدا. مثلاً وقتی گفته میشود «زید ضارب» ما از ضارب، ضاربیتی میفهمیم که مندک در زید و ضرب است بر خلاف خود مبدا که وجود مندک ندارد بلکه خودش مستقلاً منظور شده است و یا زید مستقلاً منظور شده است و وجودش مندک نیست ولی ضاربیت مندک در زید و ضرب لحاظ شده است.

خلاف ارتکاز بودن مبدا لا بشرط

به نظر می‌آید ادعای مرحوم نائینی عرفی نیست بلکه یک فهم دقی است و عجیب است که ایشان عرفی است ولی در اینجا ادعایی دقی مطرح کرده اند. ما وقتی «زید ضارب» را به عرف القاء میکنیم از این عبارت ضاربیتی که مندک در زید و ضرب باشد نمیفهمند و ضارب قائم به غیر را نمیفهمند.

معنای مشتق، مبدا به همراه نسبت

مرحوم آغا ضیاء میفرماید: معنای مشتق، مبدا به همراه نسبت است. زیرا مشتق یک هیئت دارد و یک ماده دارد و هیئت مشتق معنای حرفی است و این معنای حرفی همان نسبت است. پس وقتی گفته میشود ضارب یعنی «ذات ثبت له ثبوت الضرب». اینکه ذات نیز در معنای مشتق لحاظ میشود به این خاطر است که طرف معنای حرفی است و معنای حرفی، بدون ذات، معنا ندارد فلذا به خاطر طرف بودن لحاظ میشود نه اینکه داخل در معنای مشتق باشد (البته مختار مرحوم آغا ضیاء همان مختار مرحوم نائینی است اما تقریب آن را عوض کرده است)

خلاف ارتکاز بودن مبدا به همراه نسبت

ادعای مرحوم آغا ضیاء خلاف ارتکاز است و عرف این معنا را از مشتقات نمیفهمند. بلکه معنای مشتق واحد است و یک معنا بیشتر از مشتقات به ذهن خطور نمیکند در حالی که ادعای ایشان ترکیب معنای مشتق است.

خلاصه: موضوع له مشتق:

۱ فوائد الاصول، محقق نائینی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲ نه‌ایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقي، ج ۱، ص ۱۴۰.

۱- یا بسیط است (مختار مرحوم آخوند و استاد)

۲- یا مرکب است که این معنا دو بیان دارد:

الف: به معنای مبدا لا بشرط است (مختار مرحوم نائینی)

ب: به معنای مبدا به همراه نسبت است (مختار مرحوم آغا ضیاء)

مرحله دوم: بررسی معنای تحلیلی مشتق

بعد از اینکه ثابت شد که محل نزاع معنای وضعی است و بعد از اینکه مختار در معنای وضعی مشتق معلوم شد حال بحث به بررسی معنای تحلیلی مشتق و ادله آن منتهی میشود. فلذا در مرحله دوم بعد از تمام شدن بحث از معنای تصویری مشتق است. یعنی معنای بسیط باشد یا نباشد حال باید معانی تحلیلی را بررسی کنیم.

تحلیل معنای مشتق

ذات ثبت له المبدأ

مرحوم اصفهانی^۱ و به تبع ایشان مرحوم خوئی میفرمایند: معنای تحلیلی مشتق عبارت از ذاتی که مبدا برای او ثابت شده است. مرحوم اصفهانی در راستای اثبات مدعای خویش برهانی اقامه کردند و آن عبارت است از اینکه اگر معنای تحلیلی مشتق مرکب از ذات و مبدا نباشد معنای تحلیلی مشتق یا باید مبدا باشد و یا مبدا به همراه نسبت باشد در حالی که درست نیست زیرا ما مشتقات را بر موضوعات حمل میکنیم و اگر مبدا یا نسبت معنای تحلیلی مشتق باشد حمل درست نیست زیرا معنا ندارد که گفته شود زید کتابت است یا زید کتابت و نسبت است.

نکته: مرحوم آخوند نیز معنای تحلیلی مشتق را ذات به همراه مبدا میداند ولی برهانی اقامه نکرده اند.

^۱ نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۶.